

درون مایه‌های ادب پایداری در شعر متوکل طه شاعر پایداری فلسطین

آرمان محمدی رایگانی*^۱ (استاد یار، دانشگاه پیام نور)DOI: [10.22034/jilr.2024.141461.1171](https://doi.org/10.22034/jilr.2024.141461.1171)

تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ القبول: ۲۰۲۴/۱۱/۲۱

صفحات: ۱۷۱-۱۸۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

چکیده

متوکل طه یکی از شاعران برجسته فلسطینی معاصر است که با استفاده از هنر شاعری خویش آثار ارزشمندی در زمینه ادبیات پایداری و ترسیم حوادث دهشتناک سرزمین فلسطین و جانفشانی‌ها و مبارزات آنان آفریده است. شعر او تصویرگر پایداری، آزادی خواهی و مبارزات مردم فلسطین و جنایات هولناک اشغالگران صهیونیستی است. شاعر با درک فضای حساس زمان خود درصدد ایفای رسالت اجتماعی خود در آگاهی‌بخشی به مردم فلسطین و ادامه پایداری تا رسیدن به آرمان خویش است، ولی او در سایه دیگر بزرگان ادبیات پایداری، آنچنان که شایسته اوست معرفی نشده است و تا حدودی مورد غفلت واقع شده است. در این راستا پژوهش حاضر با روش تحلیلی و توصیفی، مهم‌ترین درون‌مایه‌های پایداری را در شعر او واکاوی کرده است و یافته‌های پژوهش بیانگر این است که وی با احساس غنی شاعرانه و قدرت بیان خود توانسته است به خوبی ایثار و فداکاری مردم ستمدیده فلسطین را به تصویر بکشد و بارقه امید را در دل آنان زنده نگه دارد. توصیف وحشی‌گری‌های اشغالگران و ترسیم جنایت آنان، امید بخشی به آزادی و رهایی، مبارزه طلبی و دعوت به پایداری، زنده نگه داشتن انتفاضه فلسطین و حمایت از آن، مخالفت با گفتگو و سازش با اشغالگران، صلح و دوستی، توصیف سختی‌های زندان و مقاومت در برابر آن، خیانت سران عرب به آرمان فلسطین، آگاهی‌بخشی و دعوت به اعتماد نکردن به دشمن، از مهم‌ترین درون‌مایه‌های گفتمان شعری متوکل طه است.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، فلسطین، صهیونیست، متوکل طه

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: arman_mohamadi1@yahoo.com

مضامین ادب المقاومة في شعر متوکل طه الشاعر الفلسطيني المقاوم

الملخص

متوکل طه أحد أبرز شعراء فلسطين المعاصرين الذين استخدموا فن الشعر لخلق أعمال قيّمة في مجال أدب المقاومة ورسم الأحداث المروعة في أرض فلسطين وتضحيات ونضالات شعبها. شعره يعكس صمود الشعب الفلسطيني ونضاله من أجل الحرية وكفاحه ضد جرائم الاحتلال الصهيوني البشعة. يدرك الشاعر الفضاء الحساس لعصره ويسعى للوفاء برسالة الاجتماعية في توعية الشعب الفلسطيني واستمرار المقاومة حتى تحقيق طموحاته. ومع ذلك، لم ينل التقدير الذي يستحقه في ظل كبار أدب المقاومة الآخرين، بل تم إغفاله إلى حد ما. في هذا السياق، تسعى هذه الدراسة، باستخدام منهج التحليل الوصفي، إلى استكشاف أهم مضامين الصمود في شعره. وتُظهر نتائج هذه الدراسة أنه تمكن من تصوير تضحيات الشعب الفلسطيني المظلوم بشكل جيد من خلال مشاعره الشعرية الغنية وقوة تعبيره، وإبقاء شعلة الأمل حية في قلوبهم. وتشمل أهم مضامين الخطاب الشعري لمتوکل طه: وصف وحشية المحتلين ورسم جرائمهم، وإعطاء الأمل بالحرية والخلاص والعودة، ودعوة إلى النضال والمقاومة، وإحياء الانتفاضة الفلسطينية ودعمها، ومعارضة الحوار والتفاوض مع المحتلين، وحبّ السلام، ووصف صعوبات السجن والصمود في وجهه، ورسم ألم ومعاناة أطفال فلسطين، وخيانة وسياسات الزعماء العرب للقضية الفلسطينية، وتوعية الناس وتحذيرهم من الثقة بالعدو.

الكلمات المفتاحية: أدب المقاومة، فلسطين، صهيوني، متوکل طه

مقدمه

یکی از حوزه‌های پرکاربرد در ادبیات معاصر، ادبیات پایداری است که تقابل میان کشورهای در حال توسعه با کشورهای استعمارگر و توسعه یافته را به تصویر می‌کشد. «ادبیات مقاومت، مقابله با همه اشکال ظلم است که در آن، سخن در جایگاه تفنگ و سلاح قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ، محدود به عرصه جنگ است، ولی تأثیر سخن ادبیات مقاومت، پیوسته ادامه دارد» (مصطفوی نیا، ۱۳۹۰: ۵۶۸). لذا ادبیات پایداری باعث آگاهی و بیداری مردم ستمدیده در برابر ستمکاران و اشغالگرانی می‌شود که با خوی وحشیانه در پی پیش بردن سیاست‌های ستمکارانه خود هستند. در شرایط امروزی که برخی از کشورهای استعمارگر برای غارت ثروت ملی و نابودی فرهنگ و تمدن کشورهای ستمدیده تلاش می‌کنند، نوعی دیگر از مقاومت شکل می‌گیرد. در تاریخ ادبیات عرب، شعر مقاومت «از همان دوره جاهلی و اموی در قالب شعر سیاسی سروده می‌شد، ولی در دوره معاصر، ادبیات مقاومت، قضیه فلسطین را در ذهن تداعی می‌کند و در حقیقت، فلسطین و رومیاری آن با رژیم اسرائیل، مهم‌ترین منبع الهام‌بخش شعر پایداری بوده که بخش عظیمی از ادبیات معاصر عربی را به خود اختصاص داده است» (مختاری و شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۲۰). در این میان، این نوع ادبیات نقش برجسته‌ای در مبارزات مردم فلسطین ایفاء می‌کند و جزئی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و ادب مردم فلسطین و دیگر کشورهای عربی شده است، زیرا شعر معاصر عربی، رابطه تنگاتنگی با موضوع فلسطین دارد. «در واقع نبض شعر عربی امروز با مسأله فلسطین می‌تپد. شاید نتوان شاعری یافت که در کشورهای عربی شعر بگوید و فلسطین موضوع بخشی از شعرهایش نباشد، همان‌گونه که در دنیای قدیم به ندرت می‌توان شاعری یافت که از عشق سخن نگفته باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰). هدف این نوع ادبیات ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در میان مردم است. ادبیات مقاومت معمولاً به توصیف از خود گذشتگی‌ها و دلآوری‌هایی می‌پردازد که ملتی علیه گروهی یا قومی که از طرف آنان مورد هجوم و ستم قرار گرفته‌اند می‌پردازد. «شعر پایداری در سرزمین‌های اشغالی و نیز تمامی کشورهای اسلامی، با سرعت غیر قابل وصفی با رویدادهای جهان اسلام همراه شد و تکمیل کننده موضوع آن و بلکه جزیی از آن گردید. این شعر بر خلاف شعر تبعید، تنها به گریه، تضرع، ناله و فریاد ناامیدی بسنده نکرد، بلکه به انقلابی جاودان و امیددی شگفتی‌ساز تبدیل گردید» (کنفانی، ۱۹۶۶م: ۳۵). در یک تعریف از ادبیات پایداری می‌توان گفت: «به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی، یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از روی دادن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت آن، به نگارش تاریخ آن می‌پردازند» (شکری، ۱۹۷۹م: ۱۱-۱۰). اندیشه‌های انسانی، سیاسی و موضوعاتی از قبیل آزادی و آزادی‌خواهی، مبارزه با ظلم و به تصویر کشیدن ابعاد و زوایای پنهانی تجاوز، دعوت به مبارزه و مقاومت و سازش‌ناپذیری، حجم وسیعی از

اشعار شاعران فلسطینی و عربی را در بر گرفته است. «نقش عمده شاعر فلسطینی، گسترش مبارزه علیه حکومت تحت الحمايه و صهیونیسم بود، از این‌رو ضروری به نظر می‌رسید که همدردی اعراب را به خطری که آینده یک سرزمین عربی را تهدید می‌کرد جلب کنند. سرزمینی که برای اعراب از لحاظ مذهبی اهمیت از ویژه‌ای برخوردار است» (سلیمان، ۱۳۷۶: ۲۹). پس این ادبیات، فریاد ستمدیدگانی است که به وسیله شاعران دردآشنا در قالب کلمات به تصویر کشیده می‌شود، تا از این طریق پایداری و استقامت خود را بیان دارند و در راه آرمان خود از هیچ کوشش فروگذاری نکنند. متوکل طه یکی از شاعران معاصر فلسطینی است و اشعار او تصویرگر مبارزات خونین مردم ستمدیده فلسطین است و او ذوق و هنر خود را در راه مبارزه با متجاوزان صهیونیست و آگاهی‌بخشی به مردم فلسطین و جهان عرب به کار گرفته است. او از شاعرانی است که با استفاده از قریحه سرشار شاعری خود برای حفظ وطن و دفاع از آرمان فلسطین به پا خواسته است.

این پژوهش بر آن است تا ضمن شناساندن متوکل طه به عنوان شاعر پایداری فلسطین، به تحلیل و بررسی درون‌مایه‌های پایداری در اشعارش بپردازد. در این راستا، با روش تحلیلی-توصیفی در پی یافتن درون‌مایه‌های پایداری در آثار شعری متوکل طه است تا با شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های پایداری به تحلیل این بن‌مایه‌ها بپردازد. در حقیقت روحیه آزادی خواهانه و مبارزه جویانه متوکل طه، باعث شده است که تقریباً تمام شعرهای او دارای نوعی ایدئولوژی سیاسی باشد. از این رو ضرورت دارد پژوهش‌هایی در اشعار پایداری این شاعر برجسته به عمل آید.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش می‌کوشد پاسخ مناسب برای این پرسش‌ها بیابد:

- ۱- مهم‌ترین بن‌مایه‌های پایداری در اشعار متوکل طه کدامند؟
- ۲- شاعر چگونه توانسته است با سلاح کلمه از آرمان فلسطین دفاع کند و درد و رنج‌ها و فداکاری‌های آنان را به تصویر بکشد؟

پیشینه پژوهش

درباره شعر متوکل طه پژوهش‌هایی انجام گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- عبدالمجید عبدالعزیز احمد حامد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «التجربة الشعرية عند متوکل طه» (۲۰۰۲) دانشگاه النجاح نابلس به راهنمایی عادل محمد أبو عشمه به بررسی تصویر شهید و هویت فلسطینی، حبسیات شاعر و تصویر سختی‌های زندان و نقش زنان در انقلاب فلسطین و کاربرد میراث در شعر او پرداخته است. این پژوهش بیشتر به جنبه زیبایی‌شناسی و زبانی و هنری شعر شاعر توجه داشته است. ۲- یاسر شریفی در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی اشعار مقاومت فلسطین در شعر متوکل طه» دانشگاه آزاد کرمانشاه با راهنمایی محمدرضا شیرخانی به بررسی

اشعار او و موضوع وطن به شکل عام و کلی پرداخته است. ۳- اَسْمَاء هاشم حسین قراریه در پایان‌نامه کارشناسی خود با عنوان «البنية الدرامية في شعر المتوكل طه: دراسة تحليلية» (۲۰۲۱) عناصر درام همچون شخصیت، مکان، زمان و پیرنگ در شعر متوکل طه را بررسی کرده است. ۴- محمد تقی زند و کیلی و مرضیه قاسمیان در مقاله «کارکرد نمادهای سنتی در شعر متوکل طه» (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیده‌اند که نمادهای سنتی در شعر متوکل طه بیانگر تجربیات درونی شاعر نسبت به مشکلات و گرفتاری‌های فلسطینی‌هاست. ۵- فایزه أحمد العربی در مقاله «حواریه النص الشعري في ديوان الخروج إلى الحمراء للمتوكل طه» (۲۰۲۰) بر اساس نظریه باختین به بررسی مقوله چند صدایی و گفتگوی متن شعر متوکل طه با اشعار شاعران پیشین پرداخته و تشابهات میان حوادث سقوط اندلس در گذشته و اتفاقاتی که در عصر حاضر برای فلسطین رخ می‌دهند را بیان کرده است. بهمن شیخی سومار در مقاله «بینامتنیت قرآنی در شعر متوکل طه» (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده است که متوکل طه با کمک بینامتنی توانسته است شعرش را فراتر از زمان و مکان قرار دهد و بینامتنی در شعر او گاه خودآگاه و گاه ناخودآگاه بوده است. اما پژوهش حاضر کوشیده است اندیشه‌های مبارزه طلبانه و تفکر انتقادی متوکل طه را نسبت به مقوله سازش با اسرائیل و همراهی اعراب و تلاش برای عادی‌سازی روابط با آن واکاوی کرده است.

متوکل طه شاعر پایداری فلسطین

متوکل طه یکی از شاعران معاصر فلسطینی است که آثار ارزشمندی در زمینه ادبیات پایداری و مبارزات مردم فلسطین خلق کرده است. «وی در سال ۱۹۵۸م، در شهر «قلقیلیه» فلسطین به دنیا آمد. در سال ۱۹۸۱م در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه «بیرزیت» فلسطین فارغ التحصیل شد و از همان ابتدا در دانشگاه بیرزیت فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را آغاز کرد و با تشکیل انجمن‌های مختلف به آگاهی‌بخشی مردم فلسطین و مبارزه با جنایت‌های دشمن صهیونیستی پرداخت. طه به دلیل فعالیت‌های سیاسی خود بارها از طرف صهیونیست‌ها بازداشت و شکنجه شد و مدت زیادی از عمر خود را در زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های اسرائیل گذرانده است، به‌گونه‌ای که چندین مجموعه شعری و داستانی خود را در زندان سروده است. «طه، حرکت سیاسی خود را در دانشگاه بیرزیت با تشکیل انجمن دانشجویی و عضویت در جنبش ملی آغاز کرد و با ریاستش بر اتحاد نویسندگان فعالیت‌های سیاسی خود را در رابطه با سختی‌ها و غم‌های مردم فلسطین و بیان خیابان‌ها و جرایم دشمن صهیونیستی گسترش داد. شاعر بعد از انتفاضة سال ۱۹۸۷م، پی در پی بازداشت می‌شد. این بازداشت‌ها و زندان‌ها در گفتمان شعری شاعر اثر گذاشته است و بخشی بسیاری از اشعارش را در برگرفته است» (عبدالعزیز احمد حامد، ۲۰۰۳: ۱۹). که خود گرفتاری‌ها و مصیبت‌هایی مردم فلسطین را تجربه کرده است، از جمله شاعران متعهدی است که با تمام صداقت،

بارِ درد و رنج‌های مردم ستمدیدهٔ فلسطین را به دوش کشیده است و نامش با شعر مقاومت فلسطین گره خورده است. طه که خود شاعری اسیر و درد کشیده است با آثار خود در زمینهٔ ادبیات و همچنین منصب‌هایی از جمله ریاست انجمن نویسندگان فلسطین، ریاست شورای آموزش عالی فلسطین و تأسیس «خانه شعر» فلسطین خدمات ارزنده‌ای به جامعهٔ فلسطین ارائه داده است. «عوامل زیادی در شکل‌گیری شخصیت شاعر و گفتمان ادبی‌اش نقش داشته است. وی در خانواده‌ای ادب دوست بالیده و از نظر اجتماعی جایگاه والایی داشت و آشنایی‌اش با ادیبان نوآور و آثار آنان در شکل‌گیری شخصیت و گفتمان وی اثرگذار بوده است» (همان: ۷). متوکل طه در آثار خود، ضمن بیان احساس خود و شرح مصیبت‌ها و درد و رنج‌های مردم فلسطین، آنان را به مبارزه طلبی و پایداری در برابر دشمن صهیونیستی فرا می‌خواند.

یکی از بارزترین موضوعات شعر متوکل طه موضوع وطن و مسألهٔ فلسطین است. «شعر فلسطین از زمان آغاز قیومیت به مقولهٔ وطن به عنوان اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسألهٔ تمرکز کرده است» (خوری، ۱۹۸۲: ۲۲۹). بنابراین طبیعی است که شاعر متعهد و میهن‌دوستی همچون متوکل طه شعرش را در خدمت کشور و ملتش قرار دهد و با شعرش از مردمش دفاع کند. متوکل طه به خاطر تعصبی که بر وطنش دارد شعرش را آینهٔ تمام‌نمای وضعیت جامعه‌اش می‌کند که غرق در جنگ و خونریزی است و او با زبانی ادبی واقعیت تلخ و روزمرهٔ فلسطین را روایت می‌کند و حوادث مهم سیاسی و نظامی آن را به تصویر می‌کشد. «یوم الأرض در حافظهٔ تاریخی هر فلسطینی حک شده است؛ روزی که شش تن از اهالی الجلیل شهید شدند و ده‌ها تن مجروح شدند» (المجموعه من الباحثین، ۱۹۹۸: ۷۸). متوکل طه با توصیفی مصیبت‌های فلسطینی‌ها همچون «یوم الأرض» شعرش را تبدیل به تریبون سیاسی می‌کند که با آن جنایت‌های جنگی اسرائیل را به جهانیان نشان می‌دهد و به انتقاد از سکوت مجامع جهانی در قبال این جنایت‌ها می‌پردازد. متوکل از شخصیت‌های ادبی شجاع و نترسی است که بارها مخالفت خود را با سازش و صلح با رژیم صهیونیستی اعلام کرده است و این موضوع در بسیاری از اشعارش بازتاب یافته است. «موضع‌گیری متوکل طه دربارهٔ سازش با رژیم صهیونیستی جزء مهمی از احساسات و اندیشه‌های وطن‌پرستانهٔ او را شکل می‌دهد و وی با انتقاد شدید از کنفرانس مادرید آن را خیلنت بزرگی در حق فلسطین می‌داند که باعث شد موجودیت حکومت خبیث اسرائیل قانونی شود» (عبدالعزیز احمد حامد، ۲۰۰۳: ۲۶). چنین دیدگاه‌های صریح و جسورانه باعث شد که متوکل طه تبدیل به یکی از شاعران معروف حوزهٔ مقاومت شود و اندیشه‌های انتقادی باعث شد که موجی از بیداری اسلامی-عربی در فلسطین و در بسیاری از کشورها شکل بگیرد و موضوع عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با اسرائیل تحت الشعاع قرار بگیرد.

تحلیل درون مایه‌های پایداری و اندیشه‌های انتقادی در شعر متوکل طه

به طور کلی ادامه حیات و رشد یک جامعه به مقاومت در برابر ستم و زورگویی و داشتن روحیه مبارزه و از خودگذشتگی وابسته است. «ادبیات پایداری باعث بیداری همت و اراده مردم ستمدیده در برابر ظالمانی می‌شود که جز سرکوب و ویرانگری و خونریزی، چیزی در قاموسشان ذکر نشده است» (مختاری، ۱۳۹۴: ۲). ادبیات پایداری نیز جهت ایجاد و تشویق روحیه پایداری در برابر سختی‌ها برای رسیدن به آرمان‌های هر ملتی ضرورتی انکارناپذیر است. اشعار متوکل طه زبان گویای دردها، مشکلات و مبارزات مردمی است که قربانی زورگویی و استعمار و جنایات جنگی شده است. مهم‌ترین مضمون‌هایی پایداری در شعر متوکل طه عبارتند از:

توصیف وحشی‌گری‌های اشغالگران و ترسیم جنایت آنان

رژیم اشغالگر صهیونیست بر پایه اقدامات تروریستی، نسل‌کشی، وحشی‌گری، نژادپرستی و حمایت کشورهای استعمارگر بر پا شده است. آنان برای ترساندن با سنگدلی اقدام به بازداشت، شکنجه و کشتار فلسطینی‌ها می‌کنند. متوکل طه که خود از نزدیک شاهد این رفتار ظالمانه صهیونیست‌ها با مردم بی دفاع فلسطین بوده است، خوی ستمگری این جنایتکاران در رفتار با فرزندان فلسطین را به تصویر می‌کشد:

بجیئون فی اللیل / یسطون مثل الأفاعي علی الحی، / ینتسرون علی أسطح العشب، / تُبرقُ بعض العیون، / وتصحو القلوبُ / اعتقال! / مئات الذئاب تحیطُ المنازل، / تغلق کل الدروب! (طه، ۲۰۰۳م: ۵۷۹).

جنگ و درگیری همیشه با تصویری از بی‌رحمی دشمن همراه است. جنایتکاران صهیونیست بر اساس تعلیمات صهیونیستی با استفاده از سیاست زور و خشونت با هدف جلوگیری از فعالیت‌های آنان برای دفاع از سرزمین خود، اقدام به بازداشت و شکنجه آنان می‌کنند. شاعر صهیونیست‌ها را همچون افعی و گرگ‌هایی می‌داند که با سنگدلی رفتار می‌کنند:

یصرخون: افتحوا. / یفتحُ الشیخُ مزلاجَ بوابه البیت / ینظر مبتسماً باندهال. / ماذا تریدون؟ / بعد / ویدخل أولهم مُسرِعاً بانفعال!! / ویهرول باقی الجنودِ إلی "الخوش" / فی غرف الدار، فی المطبخ الشهم، فی ساحة البیت، / فوق الجدار، وقَدَام حبل الغسیل، وخلف الحبال. / وبعد ثوانٍ یهزُّ کبیرهم رأسه للجنود بأن فتشوا / کل شیء. / فینقلبُ الزیتُ فوق الطحین، / وتنداحُ الحفَةُ النوم تحت الدفاتر، / تسقط طنجرةٌ فی الصحون، / تُبعثرُ ألسنةُ الطفل بین الملاعیق / تُبشُّ کل الخزائن والطاولات (همان: ۵۸۰).

شاعر در این قطعه، جنایات و وحشی‌گری‌های دردناک این جنایتکاران را به خوبی ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که آنان هیچ بویی از انسانیت نبرده‌اند. در واقع هدف اصلی صهیونیست‌ها

از این اقدامات ایجاد ترس در میان فلسطینی‌ها و تضعیف روحیه آنان و کوچ و تبعید اجباری آنان از سرزمین مادریشان است:

فیهجُمُ عشرون منهم علیه، / ویلقون فی ساعديه الحدید / علی رأسه کیس خیش کریه، / فتطلقُ أمّ الصغیر الزغارید مُعلنَةً / و فی کل شبرٍ بجسم الصغیر هوتُ رکلاتٌ من الحقد / والحدُّ عنوانهم منذ كانت سجونٌ وکان الاحتلال. (همان: ۵۸۱).

رفتار ستمگرانه اشغالگران صهیونیست در سرزمین فلسطین و کشتار مردم مظلوم این دیار، نقش مهمی در بر ملا کردن خوی جنایتگری آنان دارد. صهیونیست‌ها چنان کینه‌توز هستند که به کودکان مظلوم رحک نمی‌کند و آنان را در برابر چشمان شکنجه و آزار می‌دهند.

امید بخشی به آزادی و رهایی و بازگشت (امید به آینده)

شاعران پایداری فلسطین با وجود جنایت‌های اشغالگران، هرگز از آینده ناامید نمی‌شوند و همواره مردم فلسطین را به امید به آینده و رهایی نوید می‌دهند. «شعر انقلابی، شعری است که به آینده خوشبین است، زیرا انقلابی‌گری به این معنا است که شاعر خواستار تغییر وضع کنونی است، در این صورت طبعاً وضع بهتری را در نظر دارد که امیدوار است به آن برسد» (النقاش، ۱۹۷۲م: ۹۱). متوکل طه در اشعار خود می‌کوشد با نوید رهایی و پیروزی امید را در دل فلسطینیان زنده نگه دارد تا اراده مردم برای تغییر شرایط ناگوار کنونی بیشتر شود:

أما المعسکر والسیاح الشائکات / المائلات، / فعدداً یکون مکانها الدفلی / وحبّاتُ الکروم الرائفة (طه، ۲۰۰۳م: ۵۷۲).

شاعر امیدوار به آینده است و بر این باور است که در پس سختی‌ها، آسانی و گشایش است، زیرا مبارزه و امید تنها راه نجات فلسطین است و نمی‌توان به دیگران و جامعه بین‌المللی چشم امید داشت. «سازمان‌هایی که پذیرفته‌اند فلسطینیان از سرزمین خود بیرون رانده شوند و به جای آن‌ها مردم دیگری در آن ساکن شوند و در حال حاضر با سیاست گرسنه نگهداشتن فلسطینیان می‌خواهند آن‌ها به جای تلاش برای آزادی و بازگرداندن وطن، چشم به غذای بخور نمیر سازمان‌های بین‌المللی داشته باشند» (قمیحه، ۱۹۸۱م: ۱۳۱).

شاعر فلسطینیان را از سکوت برحذر می‌دارد و آن‌ها را برای اعتراض و گرفتن حقشان برمی‌انگیزد:

لا بأسَ علی الآءِ ودمعِ الجرح / لابدُّ من الصرخةِ حتی نکسر الصمت / ولابدُّ من الموت لنجبا (همان: ۵۰۰).

متوکل طه بر این باور است که تمام این درد و رنج‌ها روزی به پایان می‌رسد و صهیونیست‌ها با وجود اینکه تمام تلاش خود را برای سرکوب مردم فلسطین به کار می‌برند به نتیجه مورد نظر خود

دست نمی‌یابند و پیروزی از آن مردم فلسطین است و این امیدبخشی و اطمینان خاطر را می‌توان در تکرار کلمه «لابد» دریافت. او همچنین به آوارگان فلسطینی مژده می‌دهد که سرانجام به سرزمین خویش باز می‌گردند:

تُعَلِّقُ أَعْيُنَنَا جَرَسًا فِي الْهَوَاءِ / لِلنَّظَرِ مَا قَدْ يَطُلُّ عَلَيْنَا . / يَدِقُّ . . فَنَتَشَفُّ فِيْنَا الدَّمَاءُ / يَدِقُّ . .
فَتَبْعُدُ عَنَّا السَّمَاءُ / يَدِقُّ . . فَتَصْرُخُ حِكْمَةً جَدِي: / بَأَنَّ الَّذِي رَاحَ يَوْمًا يَعُودُ . . ! (همان: ۴۳۵-۴۳۴).

همچنین: وَمَهْمَا لَقِينَا مِنَ الصَّخْرِ نَكْسِرُهُ / وَالْمِيَاهُ سَنَقْطِعُهَا، وَالْبَرَائِكُنَّ نَحْمَدُهَا . . / سَوْفَ نَسِيقُكُمْ
نَحْوَ عَكَا (همان: ۳۳۴).

موضوع آوارگان فلسطینی و حق بازگشت آنان به سرزمینشان در طول دهه‌های گذشته با دسیسه‌های بین‌المللی زیادی مواجه بوده است «مسأله آوارگان در تاریخ سیاسی فلسطین از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است، به طوری که همه ساله در مذاکرات سیاسی یکی از عوامل چالش‌زا برای تداوم گفتگوها تلقی می‌شود، چرا که مسأله آنان حل نخواهد شد مگر با احقاق کامل حقوق آنان و این امر هم میسر نمی‌شود، مگر با بازگشت این آوارگان به سرزمین و خانه‌یشان» (بلاوی و صولتی، ۱۳۹۲: ۵). رژیم صهیونیستی و حامیان آن به دنبال این هستند تا فلسطینی‌ها را ناامید کنند و به این باور برسارند که آن‌ها حق بازگشت به سرزمینشان را ندارند و آن امری غیرواقعی و غیر معقول است. شاعر حق بازگشت مسئله‌ای نیست که به آسانی به دست فراموشی سپرده شود و فرزندان فلسطین تا آزادی آن دست از تلاش بر نمی‌دارند. متوکل طه به پیروزی و بازگشت همه فلسطینیان به سرزمین مادریشان اعتقاد راسخ دارد و بارقه‌های امید را به قلب آنان باز می‌گرداند.

مبارزه طلبی و دعوت به مقاومت

شعر متوکل طه لبریز از مبارزه و جهاد است. شناخت شاعر از خوی وحشیانه اشغالگران او را بر آن می‌دارد تا با صراحت مردم را به مقاومت و مبارزه با دشمن صهیونیستی دعوت کند و از مبارزات شجاعانه فلسطینیان را بستايد. «ادب مقاومت، پرخاشگر، تندخو و بی پروا است و دعوت کننده به قیام، ایستادگی و ایثار است؛ دعوتی که گاه به صورت فریاد اعتراض و گاه در چهره نبرد مسلحانه است» (سنگری، ۱۳۹۰: ۱۰۲). مردم مبارز فلسطین، با دست‌های خالی و به دور از حمایت قدرت‌های عربی و غربی، همواره در ستیز با دشمن است، زیرا این مبارزه طلبی مردم، ریشه در ایمان آن‌ها دارد:

يُطَوَّقُونَ الْجِيْشَ / يَرشُقُهُمْ بِأَلْفِ الْقَنَابِلِ وَالرِّصَاصَاتِ الْمِمِيَّةِ / يَهْجُمُونَ وَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ /
وَبِالسَّكَاكِينِ الْمُضَيَّنَّةِ يَطْعَنُونَ (طه، ۲۰۰۳م: ۴۸۶).

متوکل طه با توصیف صحنه نبرد و درگیری مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست، مردم را به جهاد فرا می‌خواند و با لحنی حماسی و شورانگیز همه مردم فلسطین از کودک و پیر و زن و مرد را

در مبارزه با این ظالمان شریک می‌داند. «شاعر مقاومت، همواره با توصیف دشمن و بیان جنایات او به طور غیر مستقیم می‌کوشد تا علاوه بر نشان دادن مظلومیت مردم، حس انتقام و ادامه مبارزه را در نیروی خودی به وجود آورد» (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). در حقیقت شاعر فرهنگ جهاد و شهادت طلبی را ترویج می‌کند و تصویری زیبا از شور و هیجان مردم فلسطین در صحنه نبرد ارائه می‌کند:

يَكْسِرُونَ الْحِطْرَ / يَهْدِرُ فِي صَخُورِ الْكَفِّ بُرْكَانُ اللَّهْيَبِ / وَيُلْهَبُونَ الْأَرْضَ تَحْتِكَ / لَا مَجَالَ أَمَامَ رُعَيْكَ / غَيْرَ أَنْ تَمْضِيَ بَعِيداً / فِي الصَّحَارَى وَالسَّرَابِ. (طه، ۲۰۰۳: ۴۸۸).

همچنین: سَنَضْرِبُ الْجُدْرَانَ بِرُؤُوسِنَا الْمَغَامِرَةَ، / ثُمَّ نَعُودُ إِلَى ضَرْبِهَا ... / سَتَحْطِمُ رُؤُوسَ عَدِيدَةٍ / وَلَكِنْ ذَاتِ يَوْمٍ؛ / سَتَنْهَارُ الْجُدْرَانَ!. (طه، ۲۰۰۷: ۹۷).

مردم مظلوم فلسطین در طول حیات خود با وجود همه مشکلات توانسته‌اند با تکیه بر مقاومت بر اصول خود پافشاری کنند و آن‌ها را نهادینه کنند. در حقیقت سامانه فکری و بنیاد تفکر آنان در بحث مقاومت است و جز آن راهی برای دفاع از سرزمین مادری خود ندارند. متوکل طه با هدف تقویت روحیه جهاد و مبارزه طلبی تصویری از مبارزه و مقاومت ارائه می‌دهد که انسان فلسطینی در آن شرایط خاص خود را در نهایت پیروز صحنه نبرد ببیند، زیرا در سایه ایستادگی و مقاومت قطعاً به پیروزی نهایی خواهند رسید.

زنده نگه داشتن انتفاضه فلسطین و حمایت از آن

انتفاضه‌های متعدد ملت مظلوم فلسطین و گروه‌های مقاومت توانسته است موجودیت این رژیم جعلی را تهدید کند و نقش برجسته‌ای در زنده نگه داشتن آرمان‌های فلسطین داشته باشد. متوکل طه با آگاهی از این نکته تلاش می‌کند در اشعار خود انتفاضه را زنده نگه دارد و آن را به عنوان تنها راه نجات و رهایی فلسطین معرفی کند:

وَاعْلَمَ أَيُّهَا الْمُحْتَلُّ: / إِنْ فَهَّقْتُ شَرَايِينِي / وَصَارَ الْبَحْرُ أَحْمَرَ مِنْ دَمِي الْمَسْفُوحِ / أَوْ أَنْزَلْتَ نَارَ اللَّهِ فَوْقَ رُؤُوسِنَا / وَامْتَدَّ هَذَا الْبَطْشُ وَالتَّنْكِيلُ / أَوْ أَغْرَقْنَا بِالْغَازِ / أَوْ هَدَّمْتَ قَرِينَتَنَا / وَإِنْ أَبْعَدْتَ كُلَّ النَّاسِ / لَنْ تُنْهِيَ انْتِفَاضَتَنَا / وَلَنْ تَهْدَا انْتِفَاضَتَنَا بِغَيْرِ رَحِيلِكَ الْكَلْبِيِّ / عِنْدَ شُرُوقِ دَوْلَتِنَا / وَإِنْ أَوْقَفْتَهَا حِيناً / فَسَوْفَ نَعُودُ كَالطُّوفَانِ غَضِبْتِنَا. (طه، ۲۰۰۳: ۵۱۰).

وی معتقد است که اراده ملت فلسطین چنان قوی و مستحکم است که دشمن نمی‌تواند شعله‌های قیام و انتفاضه آنان را خاموش کند، حتی اگر در برهه‌ای بتوانند آن را آرام کنند، اما بار دیگر همچون طوفانی خشمناک آنان را دربر خواهد گرفت و تا بیرون راندن آنان آرام نخواهند نشست:

اشهدُ زمانَ الانتفاضة وانتفضُ / هذا زمانٌ للطفولة والحجارة، / للمقاليع، القناني، / والمتاريس
الجليلة والبنود. (همان: ۵۵۹).

همچنین: هذي انتفاضتنا عروسُ / مهرها الإبعادُ والشهداء / والسجنُ الرهيبُ وجرْحُ آلافِ مؤلّفة
/ وهدمُ للبيوت، / وهرُّ دمعٍ أو عرقٍ / ما أجملك!! (همان: ۵۶۹).

انتفاضه توانسته است نقشه‌ها و توطئه‌های استکبار جهانی را با شکست مواجه کند. در حقیقت
انتفاضه با فرهنگ‌سازی مقاومت و شهادت‌طلبی و تقویت روحیه وطن پرستی در زنده بودن و
پویایی مقاومت فلسطین نقش مهمی ایفا می‌کند و تأثیر زیادی در تحولات و معادلات منطقه دارد.
طه انتفاضه را پاسخی به وجود اشغالگران و اعمال وحشیانه و سرکوب آنان می‌داند و آن را عروسی
می‌داند که مهریه آن تبعید، شهادت، زندان، درد و رنج، ویرانی منازل و رودی از خون است. متوکل
طه با این توصیف تأکید می‌کند که با تمام این سختی‌ها تنها راه نجات، مقاومت در برابر
زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی است.

توصیف سختی‌های زندان و پایداری در برابر آن

سیاست بازداشت و زندانی کردن فلسطینی‌ها از ابزارهای اسرائیل برای سرکوب انتفاضه مردمی
فلسطین است. موضوع زندانی کردن فلسطینی‌ها به حدی گسترده است که به یکی از پیش
شرط‌های اساسی مذاکرات صلح تبدیل شده است. رژیم صهیونیستی با بازداشت گسترده
فلسطینیان و اعمال شکنجه و فشار بر زندانیان آن‌ها را تهدید می‌کنند تا از مبارزه دست بکشند و
از ادامه انتفاضه منصرف شوند. متوکل طه خود شاعری است که طعم تلخ زندان و شکنجه‌های آن
را بارها چشیده است به توصیف این سختی‌ها و وضعیت غمناک زندانیان می‌پردازد:

بین جدران الزنازين يكون العامُ يوماً / ويكون اليومُ عامً. / هذه حكمةُ السجن وأيامُ السجينِ /
ولهذا يخرجُ المسجونُ من سجن الظلامِ / هرماً طفلاً، وحنأً. . وأئبُن. (همان: ۳۹۹).

همچنین: على رمالِ الجُمُرِ / في "أنصار" / غنينا طويلاً / للطيورِ السابحاتِ، / لجرحنا، / للعوسج
المنثورِ خلفَ "الشيك" / للأنداءِ، للصحراءِ، للعُشاقِ: / يا ليلي ويا سُدَى / ويا قيسَ الملوّحِ / يا غزالاً
راكضاً في الريحِ / لا تسكنُ فؤاداً قد تعوذه الشروذُ (همان: ۵۶۲-۵۶۱).

شرایط سخت زندان و دوره‌های نامشخص آن، باعث فشار روحی سنگینی بر فلسطینی‌ها
می‌شود. این وضعیت برای زنان، کودکان و افراد مسن بسیار سخت‌تر است. شرایط وخیم زندان و
رفتار نژادپرستانه زندان‌بانان اسرائیلی و شکنجه‌های روحی و فیزیکی آنان با هدف تضعیف روند
مبارزات و روحیه آنان صورت می‌گیرد. شاعر که خود با این شرایط در زندان‌های رژیم صهیونیستی

آشناست، شرایط این زندانیان را ترسیم می‌کند و معتقد است که این شرایط باعث نمی‌شود که مبارزان فلسطینی دست از مبارزه بردارند:

السجنُ يصقل زنْدَ الفتوة / يزرعُ معنى التجلّد في الروح / يخلقُ روح الجماعة في الفرد / يسكب
فولادَ صبر الرجال بقلبِ الجزوع / ويصهر صلصال آدم فينا / لنغدو شلال نور ونار / والقيد في السجن
لا يغلبُ السجناء!! (همان: ۴۷۶).

رژیم اسرائیل ضمن کشتار روزمره فلسطینی‌ها با به اسارت گرفتن آنان و نگهداری‌شان در شرایط مصیبت‌بار و در معرض شکنجه‌های هولناک قرار دادن آن‌ها، عملاً مرگ تدریجی آن‌ها را رقم زده است، ولی شاعر معتقد است که با وجود فشار زیاد روی اسیران فلسطینی با مقاومت و ایستادگی خود همچون کوهی استوار در برابر ستم جلادان قد برافراشته و مقابل آن‌ها سر فرود نمی‌آورند.

صلح دوستی (رویای صلح)

تنفر از کشتار و رنج و سختی جنگ که در سرشت همه انسان‌ها نهان شده است، شاعران را بر می‌انگیزد تا تشویق به صلح و دوستی و از بین رفتن دشمنی را مضمون شعر خویش کنند. در طول تاریخ، انسان‌ها همیشه تمنای صلح و دوستی و آرامش داشته‌اند. متوکل طه در اشعار خویش بیان می‌دارد که آنان مردمی صلح دوست هستند و این رژیم جنایتکار صهیونیستی است که با اشغال سرزمین فلسطین و ستم به آنان چنین شرایطی را به وجود آورده است:

إني أريدُ السلامَ. . ولكنّ / سلاماً يعيد إلى القدس مهرتها الواجفة. . / إني أريدُ السلامَ. . ولكنّ /
سلاماً يُعيدُ لأمتنا قدسها الكاسفة. . / سلاماً، بدون السلام، سلاماً عليه. . / وتبقى الكوايسُ
والعاصفة. (همان: ۴۳۹-۴۳۸).

همچنین: أريدُ للدينيا المحبة والسلام / لكنهم سفحوا فؤادي، سيحوا روحي / وصبوا في طفولتنا
الظلام، / وأريدُ للوطن الصغير بأن يُظَلَّ / كلُّ أسراب اليمام، / وأريدُ للأطفال أن لا يغرقوا / بدمائهم،
بعويلهم. . / أن لا تُحرقهم سجون الانتقام (همان: ۲۳۲).

مردم فلسطین قربانی تجاوزگری و جنایات اسرائیل است، اما این رژیم با پشتوانه مالی و رسان‌های خود و حامیان غربی‌اش همواره با فریبکاری افکار عمومی جهان، خود را خواستار صلح و دوستی و فلسطینیان را خشونت طلب معرفی می‌کند. متوکل طه معتقد است که فلسطینیان خواستار صلحی هستند که در آن کودکان بیگناه در خون خود نغلتند و در زندان‌های کینه صهیونیست‌ها حبس نشوند. در حقیقت شاعر با برجسته‌کردن انسان دوستی فلسطینی‌ها این پیام را می‌دهد که این

غاصبان صهیونیستی هستند که در حق آنان مرتکب جنایت می‌شوند و سرزمین فلسطین، نماد و تجسم حقیقی مظلومیت است.

مخالفت با گفتگو و سازش با اشغالگران

گزینه گفتگو با دشمن صهیونیستی، دستاوردی جز عقب‌نشینی و امتیازدهی بیشتر و افزایش آزار و اذیت مردم فلسطین توسط صهیونیست‌ها در پی نداشته است، زیرا تجربه چندین ساله مذاکرات و نتایج آن، ناکارآمدی این گزینه را اثبات کرده است. متوکل طه مخالفت صریح خود را با این گفتگوها و سازش بیان می‌دارد:

يُخْرَجُونَ الْآنَ مِنْ إِثْمِ اللَّقَاءَاتِ / عَلَى دَرْبِ "السَّلَامِ" / يَحْمِلُونَ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَى وَأَجْرَاسَ الْقِيَامَةِ /
وَيَقُومُ الشُّبُلُ مِنْ زَنْزَانَةِ الرَّعْبِ يَغْنِي . . . لِلْأُمَامِ / وَيَخْلِي خَلْفَهُ فِي اللَّيْلِ رَمْلًا وَنِعَامَةً. (همان: ۳۹۸).
همچنین می‌گوید: وَاقْرَأْ عَلَى الشُّعْبِ الْعَظِيمِ كِتَابُهُ: / إِنَّ الْجُرْمَةَ فِي التَّفَاوُضِ، لَا اعْتِرَافٍ / وَلَا
سَلَامٍ / غَيْرِ الرِّصَاصِ مُحَرَّمٍ، وَهِيَ الْقَعُودُ أَوْ الْقِيَامِ / فَاجْمَعْ لَهُمْ مَا أَنْتَ تَمْلِكُ مِنَ الْخَيْلِ / الْمَسُومَةِ الرَّهِيْبَةِ
وَالْحَسَامِ (همان: ۶۰۱).

مردم فلسطین و گروه‌های مبارز بر این باورند که این گفتگوها پوششی برای ادامه جنایت‌های اشغالگران به‌ویژه شهرک‌سازی و یهودی‌سازی سرزمین فلسطین است و اشغالگران و حامیان آن، از این گفتگوها برای بهبود وجهه این رژیم در افکار عمومی جهان استفاده می‌کنند. در این نوع گفتگوها که با حمایت قدرت‌های جهانی انجام می‌گیرد، ملت فلسطین و حقش در تعیین سرنوشت خود نادیده گرفته می‌شوند. متوکل طه آشکارا مخالفت خود را با این نوع گفتگو بیان می‌کند، زیرا هدف از این گفتگوها نجات رژیم صهیونیستی که دستانش به خون هزاران بی‌گناه در جای جای سرزمین فلسطین آغشته شده است. شاعر بر این باور است که این نوع گفتگوها هیچ نتیجه‌ای برای مردم فلسطین در بر ندارد و تنها راه نجات آنان مبارزه و پایداری در برابر دشمن صهیونیستی است. شاعر همچنین با اشاره به تجربه «صلح مادرید» سازش با صهیونیست‌ها را صحیح نمی‌داند:

نُعَلِّقُ أَعْيُنَنَا جَرَسًا فِي الْهَوَاءِ / لِنَنْظُرَ مَا قَدْ يَطْلُ عَلَيْنَا . . . / و "مَدْرِيْدُ" . . . تَشْهَدُ أَنَا خَرَجْنَا إِلَى لُغَةِ
الظَّلِّ / تَشْهَدُ أَنَا كَسْرُنَا (دیکورات) صرْحَتْنَا فِي الْفِنَادِقِ / تَشْهَدُ إِنَّا نَسِينَا حُرُوفَ الشَّوَاهِدِ / وَالزَّفَّةَ
النَّازِفَةَ / وَالْقَدْسُ تُخْرَجُ مِنْ قَبْرِهَا خَائِفَةً . . . / يَقُومُ شَهِيدٌ وَرَاءَ شَهِيدٍ / يَقُولُونَ: لَيْسَ هَذَا قُتْلَنَا / وَلَكِنْ
لَتَبْقَى أَنَا شَيْدُنَا وَاقْفَةَ! (همان: ۴۳۵-۴۳۴).

متوکل طه با اشاره به "کنفرانس صلح مادرید" که با هدف آشتی و سازش با اسرائیل برگزار شد، به شدت از آن انتقاد می‌کند، چرا که تلاشی برای منحرف کردن اذهان مردم فلسطین از واقعیت‌ها و سرپوش گذاشتن بر حقوق ملی آن‌ها به‌ویژه حق بازگشت آوارگان فلسطینی است. «با

وجود اینکه، این کنفرانس صدمه‌ای دردناک به مبارزات مردم فلسطین بود، ولی با این وجود در نظر بسیاری از عرب‌ها و فلسطینی‌ها روزنه‌امیدی بود که به آن امید بسته بودند» (طوقان، ۱۹۹۳م: ۱۷۱). شاعر با انتقاد از این گفتگو معتقد است که ملت فلسطین و مبارزان و شهداء، با هدف سازش با رژیم صهیونیستی مبارزه نکرده‌اند و در این راه شهید نشده‌اند. پس شاعر هیچ باوری نسبت به برقراری سازش مسالمت‌آمیز سیاسی با این رژیم جنایتکار ندارد، و آنان را از افتادن در دام مذاکرات برحذر می‌دارد و تنها راه‌حل را مبارزه و استقامت در برابر دشمن متجاوز می‌داند.

خیانت و سیاست‌های سران عرب در قبال آرمان فلسطین

متوکل طه سیاست‌های دور از واقعیت برخی حکام عرب را سیاست‌های خائنانه می‌داند که در خدمت دشمن هستند. در واقع نطفه رژیم صهیونیستی بر اساس خیانت سران برخی رژیم‌های منطقه و حاکمان کشورهای عربی شکل گرفته است، زیرا برای رسیدن به منافع شخصی خود فلسطین را تنها گذاشته و اسرائیل سیاست عادی‌سازی روابط را در پیش گرفتند. وابستگی، عدم استقلال حکام عرب منطقه و خائنین و خود فروختگان یکی از مهم‌ترین عواملی است که مانع از تحقق آرمان والای فلسطین است. «یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های رژیم‌های دیکتاتوری منطقه، وابستگی شدید آن‌ها به قدرت‌های غربی است. روابط دوستانه نزدیک این کشورها با غرب، نه به دلیل موقعیت مطلوب سیاسی است، بلکه ریشه در فقدان مشروعیت این رژیم‌ها در داخل و در بین مردم دارد. این حکومت‌ها برای جبران عدم مشروعیت داخلی، دست به دامان بیگانگان شده و به بهای تحقیر و از دست رفتن عزت ملی و اضمحلال هویت ملی‌شان، وابستگی تام به بیگانگان را پذیرفته‌اند» (جهانگیر، ۱۳۹۴: ۳۰۱). در چنین شرایطی شاعر با بینش بالای سیاسی خود از این‌گونه رفتارها انتقاد می‌کند:

وکیفَ نقولُ: إنا عندَ بابِ القدسِ / والعربانُ قد هربتُ / وختلتها لتصبحَ أورشليمَ الهیکلَ المزعوم؟! /
لا تأمن لهمُ وهمُ سبایا العصرِ / حصنَ خندقَ الأزهارِ / وافتح ثوبك العری للاطفالِ والشعراءِ / أطلق
سرَ أعشابِ الیدینِ / وخذ زهورَ دماننا. (طه، ۲۰۰۳م: ۴۹۴).

همسویی‌های آشکار میان رژیم صهیونیستی و برخی رژیم‌های عربی، فلسطین و مردم آن را قربانی اصلی این سیاست‌های خائنانه کرده است. شاعر با انتقاد از بی‌توجهی عرب‌ها نسبت به قدس و سرزمین‌های اشغالی بیان می‌دارد بی‌توجهی و عدم مسؤولیت‌پذیری آنان باعث شده است که صهیونیست‌ها آن را به معبد موهوم خود - معبد سلیمان - تبدیل کنند:

فأین أمثنا والقدسُ قد قُلبتُ ظهراً وقلباً وأرواحاً وأرکاناً؟
ولم یزل من قصور الروم حاکمنا ولم تزل علیة الأقسامِ خصیماناً!

(همان، ۲۰۰۷م: ۳۳)

در حال حاضر موضوع فلسطین در صدر برنامه‌های سران عرب نیست و آن‌ها نمی‌خواهند کاری برای فلسطین انجام دهند. در حقیقت «تمام انقلاب‌هایی که در فلسطین شکل گرفتند در پایتخت‌های عربی دفن شدند» (حمصیان، ۱۳۸۰: ۲۰۳). آن‌ها با تبلیغات دروغین و با شگردهای مختلف سعی در فریب مردم و جلب توجه افکار عمومی جامعه خود دارند. متوکل طه آنان را وابسته و دست‌نشانده غربی‌ها می‌داند که نسبت به آرمان فلسطین و قدس اشغالی بی‌تفاوتند و اراده و اختیاری از خود ندارند:

لن نتخبطُ مثلَ ذئبٍ وحید، / ولن ندعی الأناقةَ مثلَ مالک الحزین، / وفوق هذا وذاك نعرفُ الوزراءِ الخونةَ، / والدسائینَ والتجّارَ . . ونعرفُ غدنا أيضاً! . (طه، ۲۰۰۳م: ۴۱۵).

شاعری متعهد و مبارز همانند متوکل طه با ژرفاندیشی و بیداری، از این‌گونه رویکردهای موجود با زبانی صریح انتقاد می‌کند و کسانی را نکوهش می‌کند که به دلیل وابستگی و منافع شخصی خود، موجب از بین رفتن وطن و رنجش مردم می‌شوند:

تعلّم من فلسطینَ الرجولةَ / وانظر الأطفال ماذا يفعلونَ: / لقد أعادوا بالحجارة للسماء عيونها / ومن المقاليع استفاق الكونُ / والأرضُ استعادت من جراحهم الصوابُ / وأنظر بعینك . . هل عمیت؟ / وهل عجزتَ عن الكلام؟ / وهل فقدتَ السمع؟ / مُتْ إِذَا / لا تستحقّ ندائی المجرّوح / يا هذا المَحْنَطُ بالمهانة والتعاسة! . (همان: ۵۲۲).

متوکل طه که از شاعران متعهد و مبارز فلسطینی معاصر است نقش بسزایی در بیداری جامعه عرب و مقابله با سیاست‌های زورگویانه رژیم اسرائیل و آگاهی‌بخشی به جامعه عرب و انتقاد از سیاست‌های حاکمان عرب دارد. او با زبانی صریح شرایط نامناسب جامعه عربی را به باد انتقاد می‌گیرد و از آنان می‌خواهد که از کودکان فلسطینی شجاعت و شهامت را بیاموزند و از این وضعیت ذلت‌بار کنونی بیرون بیایند. شاعر رفتارهای متناقض آن‌ها را عامل تفرقه در جهان عرب و به وجود نیامدن وحدت و همدلی میان کشورهای عربی می‌داند و حاکمان عربی را افرادی خودخواه می‌داند که در قابل آرمان ملت فلسطین بی‌تفاوتی هستند.

اعتماد نکردن به رفتارهای فریبکارانه دشمن

متوکل طه با تیزهوشی و درایت بالای سیاسی خود، اعتماد به دشمن را امری منطقی نمی‌داند و معتقد است که عادی‌سازی روابط با آن باعث می‌شود که جنایت‌هایش نادیده گرفته شود. او به گواهی اشعارش در زمره شاعران متعهدی است که با درک فضای حساس زمان خود تلاش می‌کند تا به مسئولیت خود در قبال ملت فلسطین عمل کند و دردها و مشکلات آن‌ها را بازگو کند:

وبعضُنَا لَا يَرِي فِي الذَّنْبِ مَقْتَلَةً لِأَنَّ فِي الذَّنْبِ جُرْحًا شَقَّهُ لِحَمَلٍ!!
 أَيْسَأَلُونَ لِمَاذَا الْجُرْحُ إِنْ صَدَقُوا، وَأَيْنَ، كَيْفَ، مَتَى قَدْ كَانَ؟ هَلْ سَأَلُوا؟!
 مَنْ يَأْخُذُ الذَّنْبَ جَارًا صَالِحًا، أَبَدًا لِحُمِّ الصَّغَارِ عَلَى أَنْيَابِهِ قُبَل
 (همان: ۳۹)

شاعران متعهد عربی در بیداری ملت عرب نقش مهمی ایفا می‌کنند. در حقیقت رشد فکری هر جامعه‌ای در شرایط آگاهی و درست اندیشیدن تأمین می‌شود، زیرا که بدون داشتن اندیشه، معرفت و روشننگری نمی‌توان رشد جامعه را سرعت بخشید. از این‌رو متوکل طه تأکید می‌کند که نباید به دشمن اعتماد کرد و نتیجه چنین اعتمادی چیزی جز خیانت و نابودی نیست. او به هم‌وطنانش هشدار می‌دهد که فریب ظاهر دشمن را نخورند و با آگاهی و هشیاری کامل در جهت وحدت کلمه و مبارزه با زیاده‌خواهی‌های دشمن صهیونیست گام کنند:

كَيْفَ أَحْبُّ عَدُوِي؟ غَاصِبِ أُخْتِي الْمُطْعُونَةِ / بِالنَّصْلِ وَبِالإِثْمِ، وَحَارِقَ دَمْعِي الأُولَى؟ كَيْفَ / سَأَلْتِي
 بشعير بلادي خيول الريح السوداء،؟! (همان: ۲۸۲).

همچنین: فَلَإِ يَجِدِي النُّوْحُ وَالسَّلَاحُ؟؟؟ / فَمَا الَّذِي يَجِدِي. . . إِذَا؟ / وَالسَّلْمُ عَكْسُ السَّلْمِ فِي زَمَنِ
 الْمَذَابِحِ؟؟؟ / أَيْ سَلِمَ جَاءَنَا قَمْرًا، وَغَطِينَاهُ فِي دِمْنَا؟ / أَجَبِيوَا. . . / قَدْ جَاءَنَا ذَنْبٌ بِثُوبِ الصُّوفِ، / فِي
 فَمِهِ دَمٌ، وَفِي كَفْيِهِ مِنْ رُوحِي، جِرَاحٌ. . . / فَلَمَنْ نَعْيِي؟! (همان: ۶۴۱-۶۴۰).

متوکل طه معتقد است که در جهت ارتقای خودآگاهی مردم نمی‌توان نسبت به دشمن بیتفاوت بود و اعمال و جنایت‌های آنان را نادیده گرفت، چرا که از دید شاعر آنان همانند گرگی هستند که در لباس میش آمده‌اند و پر از جنایت و خونریزی هستند و باید از مصالحه با آن‌ها دوری کرد و نباید از راه دوستی و ملامت با آنان برخورد کرد. شاعر سعی دارد با بالا بردن سطح بصیرت، اطلاعات، آگاهی، درک و فهم جامعه در مقابل دشمن، حس مسئولی‌پذیری آن‌ها را بالا ببرد تا بتوانند در برابر توطئه‌های مختلف دشمنان بپای خیزند و از خود و سرزمین‌شان دفاع کنند.

نتیجه

متوکل طه، یکی از شاعران معاصر فلسطینی است که با سلاح قلم و شعر، راه مقاومت در برابر اشغالگران در پیش گرفته است. نتایج حاصل از خوانش اشعار شاعر را میتوان در موارد ذیل بیان داشت:

شعر متوکل طه سرشار از مبارزه و جهاد است. شناخت شاعر از خوی وحشیانه اشغالگران و جنایت‌های آنان او را بر آن می‌دارد تا با صراحت مردم را به مقاومت و مبارزه با دشمن صهیونیستی دعوت کند و از مبارزات شجاعانه فلسطینیان تجلیل کند. او نقش بسزایی در بیدارسازی جامعه

عرب و مبارزه با سیاست‌های ناحق رژیم اسرائیل دارد. او با زبانی صریح از شرایط نامساعد جامعه عربی انتقاد می‌کند. وی مخالف گفتگو و سازش با دشمن است و تنها راه نجات فلسطین را مبارزه می‌داند و این گفتگوها را در خدمت منافع اشغالگران و یهودی سازی سرزمین فلسطین می‌داند. وی با تیزهوشی و فراست از ذات پلید و مکار رژیم صهیونیستی پرده برمی‌دارد و آن را قابل اعتماد نمی‌داند، زیرا آن‌ها چنان غرق در افکار و اهداف توسعه‌طلبانه خود هستند که هر کس و هر چیزی که بر سر راهشان قرار بگیرد را نابود می‌کنند و به کودکان بی‌گناه نیز رحم نمی‌کنند. وی مردم را از اعتماد کردن به دشمن برحذر می‌دارد و و مصالحه با آن را عامل تضعیف موضع فلسطین و قیام مردمی می‌داند. با وجود سختی‌ها و مشکلات فراوان در مسیر محور مقاومت، او شاعری خوشبین و امیدوار به آینده است و معتقد است که ملت فلسطین سرانجام به راه پیروزی و رهایی از جنگال رژیم صهیونیستی می‌رسد و آوارگی و تبعید به پایان می‌رسد و فلسطینی‌ها به سرزمینشان بازمی‌گردند و ظلم و بیداد از فلسطین رخت برمی‌بندد.

منابع

بلاوی، رسول، صولتی، سمیه، و صادقیان نژاد، اعظم. (۱۳۹۲). جایگاه آوارگان فلسطین در شعر محمود درویش. *فصلنامه نقد ادب عربی دانشگاه یزد*، ۳(۴)، ۲۵-۵۷.

[20.1001.1.23225068.1392.3.4.2.0](https://doi.org/10.22059/jpq.2015.54851)

جهانگیر، کیامرث، و ملکی، حسن. (۱۳۹۴). بیداری اسلامی: ریشه‌ها و زمینه‌ها. *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۵(۲)، ۲۸۹-۳۱۰. [10.22059/jpq.2015.54851](https://doi.org/10.22059/jpq.2015.54851)

حمصیان، احمدرضا. (۱۳۸۰). *فرایند صلح و کشورهای متخاصم*. نشر کنکاش.

خوری، ایلیاس. (۱۹۸۲). *الذاکرة المفقودة (الطبعة الأولى)*. مؤسسات الأبحاث العربية.

سلیمان، خالد. (۱۳۷۶). *فلسطین و شعر معاصر عرب* (شهره باقری و عبد الحسین فرزاد، ترجمه). چشمه.

سنگری، محمد رضا. (۱۳۹۰). ادبیات پایداری. در جواد محقق، *بیداری کلمات: بررسی و تحلیل شعر مقاومت*

(ص. ۹۹-۱۲۱). روایت فتح (وابسته به موسسه فرهنگی روایت فتح).

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *شعر معاصر عرب* (چاپ اول). سخن.

شکری، عالی. (۱۹۷۹). *أدب المقاومة*. دارالآفاق الجديدة.

طوقان، فدوی. (۱۹۹۳). *الرحلة الأصعب*. دار الشروق.

طه، المتوکل. (۲۰۰۳). *الأعمال الشعرية*. موسسه العربيه للدرسات و النشر.

طه، المتوکل. (۲۰۰۷). *قال الفتى لبنان*. الرعاة للدراسة والنشر.

عبدالعزیز أحمد حامد، عبدالمجید. (۲۰۰۳). *التجربة الشعرية عند المتوكل طه* (پایان نامه کارشناسی ارشد).

جامعه النجاج الوطنية.

قمیحه، محمد مفید. (۱۹۸۱). *الاتجاه الانساني في الشعر العربي المعاصر*. دار الآفاق الجديدة.

کنفانی، غسان. (۱۹۶۶). *أدب المقاومة في فلسطین المحتلة*. دار الطليعة.

المجموعه من المؤلفين. (۱۹۹۸). *موجز من تاريخ الفلستين*. وزارة الثقافة الفلسطينية، اللجنة الوطنية لإحياء ذكرى النكبة.

محمدی، محبوبه. (۱۳۸۹). *قسم به نخل قسم به زیتون*. نشر ارزشهای دفاع مقدس.

مختاری، قاسم، و شهبازی، محمود. (۱۳۸۹). *جلوه‌های پایداری در شعر عمر ابوریثه*. *ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۲(۴)، ۵۱۹-۵۴۳. <https://doi.org/10.22103/jrl.2012.306>

مختاری، قاسم، و وفايي خوش، قدرت الله. (۱۳۹۴). *جلوه‌های پایداری در شعر عبدالرحمن العشماوی نمونه مورد پژوهش قصیده «فتی فلسطینی يتحدث»*. *ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۷(۱۲)،

۳۰۳-۳۲۲. <https://doi.org/10.22103/jrl.2015.1020>

مصطفوی نیا، سید محمدرضی، توکلی محمدی، محمدرضا، و ابراهیمی، قاسم. (۱۳۹۰). *مقاومت در شعر توفیق امین زیاد*. *ادبیات پایداری دانشگاه باهنر کرمان*، ۲(۴)، ۵۶۵-۵۸۸.

<https://doi.org/10.22103/jrl.2012.308>

النقاش، رجاء. (۱۹۷۲). *محمود درویش شاعر الأرض المحتلة* (ط ۲). المؤسسة العربية للدراسات والنشر.